

جنایتکارانیکه هنوز دست از جنایت بر نمیدارند

عبدالله جان



در اپریل ۹۲ گروه های "مجاهدین" داخل کابل شدند و صبغت الله مجددی را بحیث رئیس جمهور موقت تعیین نمودند. بعد از ختم مدت دو ماهه مجددی، ربانی در ۲۸ ماه جون زمام امور را در دست گرفت. طبق این برنامه در ماه سپتمبر ربانی بحیث رئیس جمهور و گلبدین حکمتیار بحیث صدراعظم تعیین گردیدند. گلبدین نظر به عداوت ها و رقابت هائیکه با احمد شاه مسعود داشت وارد کابل نشد. وی مرکز قوماندانی خود را در چهارآسیاب ایجاد کرد و از آن جا جنگ را علیه ربانی و مردم بی دفاع کابل آغاز کرد. در آغاز صبغت الله مجددی مؤقناً برای دوماه به ریاست جمهوری گماشته شد. به تعقیب وی برهان الدین ربانی قدرت را تصرف نمود و وی نمیخواست از قدرت کنار برود و حاضر به ترک ریاست جمهوری نبود. این عمل وی باعث کشمکش ها میان مدعیان قدرت شد مانند گلبدین حکمتیار و عبدالرب رسول سیاف، عبدالرشید دوستم، احمد شاه مسعود و عبدالعلی مزاری. زوال حکومت "مجاهدین"، جنگ سالاری و نفوذ یافتن گروههای جنایتکار منجر به قیام "طالبان" گردید. "طالبان" اولتر از همه قندهار را تحت کنترل در آورده و تمام قوانین و لوایح خود را در آنجا بنیاد گذاری کردند و تا سال دوهزار میلادی تقریباً نودوپنج فیصد، افغانستان را اداره مینمودند.

فاجعه یازده سپتامبر دوهزارویک در آمریکا سبب تهاجم ایالات متحده به افغانستان شد که به حکومت "طالبان" خاتمه بخشید. جنگ های خونین بین گروه های متعدد "مجاهدین" تا سپتمبر ۱۹۹۴ ادامه داشت. هر بخش کابل و هر گوشه از کشور در تصرف گروه های مختلف "مجاهدین" چون جمهوریهای خود مختار قرار گرفت. مردم از مفهوم ملوک الطوائفی به معنی اصلی آن آگاه شدند. تجاوز به مال جان و نوامیس مردم یکی از دست آورد های درخشان این دوره وحشت بود. ربانی نیز میبایست مطابق آنچه فیصله پشاور نامیده میشد پس از چهار ماه از قدرت کنار می آمد ولی وی با

خده و نیرنگ شورای حل و عقد را دائر کرد و مدت زمامداری اش را دو سال تمدید نمود. پس از ختم این مدت دیگر نمیتوانست شورای دیگر دائر کند ازینرو مدت ریاست جمهوری اش را تا مدت نا معین توسط قاضی القضااتی که خودش تعیین کرده بود تمدید نمود. ربانی بر مسند قدرت تکیه زد تا بالاخره در سپتمبر ۱۹۹۶ توسط "طالبان" از کابل رانده شد. ساعات تحت کنترول دولت وی هر روزه محدود تر شده تا اینکه در ماه سپتمبر ۲۰۰۱ یعنی یک ماه قبل از حمله آمریکا به افغانستان، حدود اربعه دولت جمهوری اسلامی وی صرف به ولایت بدخشان محدود گردیده بود.

هنگامیکه در اثر حملات آمریکا، "طالبان" فراری و قوای جمعیت با حمایت آمریکا وارد کابل گردیدند هر چه تمامتر در حفظ قدرت کوشید. وی در چند روز محدودی که بار دوم درارگ بر مسند قدرت تکیه زد طور ناگهانی به امارات متحده سفر نموده و در آنجا با مقامات پاکستانی ملاقات نموده و به آنها اطمینان همکاری داد. وی به شدت از کفرانس بن انتقاد نموده و نمی خواست تا از قدرت کنار آید. بناچار مطابق فیصله نامه بن و خیانت یونس قانونی که ریاست دولت ربانی را قربانی بوجی های، دالر معاونت کرزی، وزارت داخله، دفاع و امنیت ملی نموده بود بتاريخ ۲۲ دسمبر ۲۰۰۱ از کرسی بزیر کشیده شد. حلاوت و شیرینی پیروزی "مجاهدین" در کابل این عمری کوتاه چون حباب داشت. چرا که در سومین روز این پیروزی در حالی که شلیک های شادمانه تفنگها همچنان ادامه داشت، به یکباره لوله تفنگ از آسمان به سوی یکدیگر نشانه رفت تا بار دیگر تراژدی خونین جنگ و کشتار و قصه تلخ دربدری ادامه یابد.

دو رقیبان مسعود، ربانی و حکمتیار که در کوه ها متواری بودند و به غرش تفنگ دل خوش می کردند، جنگ با یکدیگر را تدارک دیدند و به تدریج دیگر گروه ها و رقبا را نیز در این جنگ، کشتار، ویرانی و بی سرنوشتی سهمیم کردند. حاصل این ستیز و تضاد جدید تحمیل چهارسال جنگ، ویرانی شهر کابل، بنهای بامیان و دهها شهر دیگر، کشتار ده ها هزار نفر، افزودن برانبوه معلولان و مجروحان و تداوم مهاجرت و یاس و ناامیدی بود.

ایالات متحده از همان ابتدا حرکت، "مجاهدین" را حمایت نموده و سیلی از کمک های مالی خود را از طریق اسلام آباد به آدرس آنان سرازیر نمود. اسلام آباد درست به همین دلیل بعد ها به خود حق داد که به عنوان قیم "جهاد" افغانستان درمورد سرنوشت آن تصمیم گیری کند. پس از سرازیر شدن امداد های خارجی به سرکردگی آمریکا- به سوی "مجاهدین"، افغانستان به محل رقابت جدی دو ابرقدرت جهانی تبدیل شد.

"مجاهدین" با قدرت وصف نا پذیری که کسب کرده بودند در یک خلاء سیاسی قرار گرفتند. حتی عده ای از رهبران "جهاد"ی آرزو داشتند که حکومت جمهوری افغانستان چند صباحی بیشتر دوام بیاورد. حضور "مجاهدین" در کابل به دلیل اختلافات فراوان درونی منجر به خلاء قدرت مشروع و در نتیجه

نزاع بی پایان گردید. با ورود "مجاهدین" به کابل در هشت ثور ۱۹۹۲، چور و چپاول دارائی های عامه، از جمله موزیم کابل آغاز یافت. هر یک از گروه ها هر کدام بالنوبه هر آنچه در دست شان آمد به یغما بردند و آنرا در بازارهای پاکستان به قیمت ناچیز بفروش رسانیدند. ساختمان و یک تعداد آثار موزیم کابل در اثر جنگ های ذات البینی تخریب گردید. حکومت ربانی در ماه می همان سال، هتل کابل را جهت نگهداری آثار باقیمانده تاریخی برگزید و آنچه را که بیست درصد باقیمانده مجموع آثار تاریخی موزیم کابل محسوب میگردید بدانجا انتقال داد و تا اشغال کابل توسط "طالبان"، این آثار درین گدام نگهداری میشد. شورای نظار هنگام فرار از کابل در سال ۱۹۹۶، بسیاری ازین آثار ارزشمند را و بخصوص آنچه در زیرزمینی های د افغانستان بانک بود با خود برده و بمرور زمان به خارج انتقال دادند و بفروش رسانیدند.



ایالات متحده امریکا با لشکرکشی به افغانستان یکبار دیگر جنایتبار ترین گروه و افراد را در افغانستان به قدرت سهم گردانید.

آمدن گروه های چپاولگر به کابل، قلب افغانستان.

این گروه ها که حتی قبل از آمدن به کابل، چهره های خاین و کریه خود را در قتل و آدمکشی و وابستگی به پاکستان، ایران، عربستان و کشورهای دیگر به نمایش گذاشته بودند، با ریختن به کابل، کابلیان را بیش از پیش داغدار نموده و به نام ملحد و کمونیست به کشتن شان آغاز نمودند. وقتی تنظیم های خاین وارد کابل می شدند، آنانی که از سرشت این تنظیم ها بی خبر بودند، شادی مرگک شده و برای آمدن شان لحظه شماری می کردند. این شادی مرگک شدن و خوشحالی دیری نیابید و هنوز ماه عسل آمدن تنظیم ها به کابل سپری نشده بود که کوچه ها و سرک ها بین تنظیم ها تقسیم شد و جنگ برای تسلط بر مناطق دیگر و بدست آوردن غنایم بیشتر آغاز شد. دولت پشاور می مجددی و به تعقیب آن ربانی، از محدوده ارگ بیرون نرفت. نیروهای احمدشاه مسعود که یکی از طرفین اصلی جنگ و در حاکمیت قرار داشتند، به امر مسعود، از کوه تلویزیون هر جنبنده ای را به گلوله می بستند. نیروهای سیاف، گلبدین و مسعود هر کدام برای سرکوب طرف مقابل، از هیچ وسیله ای دریغ نمی نمودند. کابل در ظرف چند روز به ویرانه ای شباهت پیدا نمود که همه آن را به شهرهای بمباران

شده ای بعد از جنگ دوم جهانی تشبیه می نمودند. از آسمان و زمین، باران مرمی و راکت و هاون می بارید.

کابلیان در خون فرزنداناش غسل تعمید می دیدند. کابل به فرمان بادران پاکستانی این تنظیم ها می سوخت و "رهبران" بی توجه به این همه خونریزی و چور و چپاول، همچنان سرگرم زدو خورد بودند، بیش از ۶۵۰۰۰ کابلی را کشتند، بر زنان و دختران و پسران تجاوز نمودند، گوش و بینی مردم را بریدند و بر فرق شان میخ کوبیدند، این همه خون ریخته شده و قتل و غارت و بی ناموسی، چرت رهبران تنظیم ها را خراب نکرد و زمانی که "طالبان" برای تیخ کردن شان به کابل هجوم آوردند، دو پا داشتند و دو پای دیگر قرض نموده و به پنجشیر فرار نمودند. زمانی که دوباره با کمک و در پناه بی ۵۲ به کابل یورش آوردند، در پست های حساس و کلیدی دولت جابجا شدند و چهار سال خون و جنایت (۱۳۷۵-۱۳۷۱) را در خاطره های مردم زنده کردند و برای اینکه جنایت های شان را از اذهان مردم زدوده باشند، هشتم ثور را به عنوان جشن پیروزی "جهاد" نامگذاری نمودند و برای این کار همه ساله ملیون ها دالر را خرج مصارف جشن می نمایند و با چشمان کلوخی و وجدان های یخزده به نظاره ویرانی هایی می نشینند که خود عامل آن بوده اند. رهبران تنظیم های هشت ثوری چنان بی چشم و حقیر اند که برای رسیدن به پست و چوکی حاضر به هر نوع معامله و پستی اند. این روز که جز تباهی زیربناهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و غیره و کشتن انسان های بی گناه، ارمغانی نداشته است، تنها از سوی کسانی تجلیل می شود، که به نحوی در ویرانی و چور و چپاول دخیل بوده اند. این روز در تاریخ کشور ما، یک روز نحس و سیاه است و اگر امروز خاینان و قاتلان مردم برای برگزاری آن جشن می گیرند، فردا که خورشید رهایی و بهروزی خلق ما بدمد، خاینان هشت ثوری برای ارتکاب جنایات و ریختن خون، به پای چوبه های دار خواهند رفت. جنایتکاران و ناقضان حقوق بشر برای پوشاندن جنایات و چهره های شان و دفاع از خود به ایجاد جبهه جدیدی دست زده اند، که جبهه ملی نام دارد. در رأس این جبهه کسی قرار دارد که در زمان دولت اسلامی اش، کشور را به خاک و خون نشانند و بیش از ۶۵۰۰۰ کابلی را از دم تیغ گذرانند. این چوکی پرست که برای هشت سال تمام، چوکی ریاست جمهوری را به ماتحتش سرش نموده بود و برای حفظ آن هزاران انسان بی گناه راکشت، اکنون از ناامنی و فساد اداری در افغانستان حرف می زند.

در زمان حاکمیت (ربانی) کابل درآتش سوخت و دزدان مسلحش مردم را به تماشای رقص بسمل نشانند، بر دختران پاکدامن تجاوز نمودند، چشمها را کشیدند و گوش و بینی بریدند. . . اکنون آن جمع جنایتکار در اتحادی گردهم آمده اند، تا بار دیگر کشور را در سوگ فرزندان شان بنشانند. در این جبهه از جنایتکاران تنظیمی گرفته، تا دزدان تفنگدار و نواسه بابای ملت، همه در آن شامل اند.

کسانی که تا دیروز در جریان جنگ های تنظیمی و غیر تنظیمی، گلوی یکدیگر را پاره می کردند، اکنون برای حفظ منافع شان جبهه ساخته اند. آنانی که باید به خاطر جنایات و تبهکاری های شان در حق مردم افغانستان به پای میز محاکمه کشانده می شدند، از الف تا یا در دستگاه های دولتی حضور دارند و با زور تفنگ و پول، حرف اول و آخر را می زنند. مردم ما دیگر از آن مقدار آگاهی سیاسی برخوردار شده اند، که فریب چنین و چنان جبهه هایی را نخورند. جبهه سازان هر قدر در پناه جبهه راه بروند، به همان اندازه تجرید و ناکام خواهند شد.

ربانی، سیاف، محسنی، مجددی، گیلانی . . . را که مردم به کشتن افراد ملکی در جنگهای سالیان ۱۹۹۰ متهم میسازند، اکنون دوباره برایشان شانس مساعد گردیده تا در راه آینده کشور مزاحمتهای خلق نمایند.

افغانسان به این طریق آباد نمیشود، اگر چنین وضع ادامه پیدا کند، تمام کوششهای ایالات متحده و مجامع بین المللی، بمنظور اعاده ثبات دموکراسی، آزادی زنان، تشکیل اردوی ملی و پولیس ملی و حتی اعمار سرکها و شهرها یکسره به ناکامی می انجامد. کابل به عنوان مرکز تحولات سیاسی کشور از چند سال به اینطرف شاهد کودتاها، خونریزی ها، خیزش ها، حرکت ها، درگیری ها، راکت پرانی ها، قتل عام ها، ویرانی ها و بربادی های فراوانی بوده است. در سال های اخیر که یورش از اطراف به این شهر جنگزده بلاوقفه ادامه داشته، کابل ویرانه و بی نظم یکبار دیگر توسط سرکشان و زورمندان به شیوه های گوناگون دیگری غارت و چپاول شده است.

از یکسو قد برافراشتن لحظه به لحظه بلند منزل ها و مارکیت ها و از سوی دیگر فقر، مظلومیت و بیچارگی تک تک ساکنان آن نشان می دهد که پایتخت به نمایندگی از تمام شهرهای کشور درجه مظلومیتی غرق می باشد و چگونه بی دادرسی به پیش می راند. گراف جرم و جنایت در کابل آنقدر اوج گرفته که ده ها مستوفی توان حسابگیری آن را نخواهند داشت که علل آن را می توان در فقر و آلوده بودن پولیس آن به جنایت دانست. هر دزدی و یا قتلی که صورت می گیرد گفته می شود، دزدان یا قاتلان لباس پولیس به تن داشته. گاه گاه تغییراتی در اداره پولیس می آید، وزیر داخله جهت مهارکردن این همه جرم و جنایت در پایتخت که دیگر آبروی به دولت نگذاشته، دست به جابجایی بی نتیجه میزند و اعلان میکند که اگر تبدیل شدگان به وظایف شان صادقانه عمل ننمایند، تصمیم جدی تری در مورد شان اتخاذ خواهد شد.